



پیش بینی سوء استفاده هیجانی در روابط براساس ذهنیت های طرحواره ای و سبک های دلبستگی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد

سها جهانبخت*، زهرا السادات هاشمی، امیرمحمد اسکندری

۱ گروه روانشناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

۲ گروه روانشناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۳ گروه روانشناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

Sohaa Jahanbakht*, Zahrasadat Hashemi, Amir Mohammad Eskandari

Department of Psychology, Na.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran (Corresponding Author)

Department of Psychology, Na.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Department of Psychology, Na.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

*Corresponding author email address: soha.jahanbakht@iau.ac.ir

zahraa.hashemii83@gmail.com

amireskandari815@gmail.com

چکیده

سازه های روان شناختی همچون سبک های دلبستگی و ذهنیت های طرحواره ای نقش مهمی در کیفیت روابط بین فردی و بروز مشکلات روان شناختی ایفا می کنند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش انواع ذهنیت های طرحواره ای و سبک های دلبستگی در ارتباط با سوء استفاده هیجانی انجام شد. این تحقیق از نوع توصیفی و همبستگی چندمتغیره بوده و ابزارهای مورد استفاده شامل پرسشنامه ذهنیت های طرحواره ای یانگ، پرسشنامه سبک دلبستگی هازان و شیور، و پرسشنامه سوء استفاده هیجانی جیکوبسن و گاتمن بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ تشکیل دادند. حجم نمونه بر اساس قاعده ۱۵ مشاهده برای هر متغیر پیش بین تعیین شد و با توجه به ۱۷ خرده مقیاس، تعداد ۲۵۵ نفر به صورت نمونه انتخاب گردیدند. یافته ها نشان داد که تمامی ذهنیت های طرحواره ای با سوء استفاده هیجانی دارای همبستگی معنادار در سطح ۰/۰۱ بودند و میان سوء استفاده هیجانی و سبک های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا رابطه معناداری در سطح ۰/۰۱ به دست آمد. دلبستگی ایمن با سوء استفاده هیجانی رابطه منفی داشت،



در حالی که دلبستگی ناایمن دوسوگرا اثر مثبت نشان داد. از میان ذهنیت‌های طرحواره‌ای، ذهنیت‌های «کودک آسیب‌پذیر»، «کودک بی‌انضباط»، «تسلیم‌شده مطیع»، «محافظ بی‌تفاوت»، «خودآرام‌بخش بی‌تفاوت» و «والد تنبیه‌گر» اثر مثبت بر سوءاستفاده هیجانی داشتند. در مقابل، ذهنیت‌های «کودک شاد» و «بزرگسال سالم» با سوءاستفاده هیجانی رابطه منفی نشان دادند.

واژه‌های کلیدی: سوء استفاده هیجانی، ذهنیت‌های طرحواره‌ای، سبک‌های دلبستگی

مقدمه

در هر مرحله از چرخه زندگی، افراد روابط خاصی با دیگران برقرار می‌کنند که این روابط می‌توانند سلامت فردی و اجتماعی آنها را بهبود بخشند یا باعث آسیب به آنها شوند (برک، ۲۰۰۹، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ۱۴۰۰). با گذار از نوجوانی، جوانان کم‌سن‌تر که تازه شروع به یادگیری مهارت‌های رابطه‌ای کرده‌اند، کمتر قادر به تشخیص نشانه‌های آزار هستند و نسبت به جوانان بزرگ‌تر آسیب‌پذیری بیشتری در برابر خشونت دارند. خشونت در قرارهای عاشقانه با افسردگی، اضطراب، مصرف مواد، افکار خودکشی همراه است (موچلا، ۲۰۲۴). خشونت در روابط صمیمی^۱ یک مسئله اجتماعی و بهداشت عمومی است که به دلیل شیوع بالا و پیامدهای شدیدی که می‌تواند برای افراد درگیر داشته باشد، توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است، این خشونت می‌تواند شامل حملات جسمانی، برقراری رابطه جنسی اجباری و سایر اشکال اجبار جنسی، سوءاستفاده روانی، رفتارهای سلطه‌جویانه متعدد و حتی مرگ باشد. علاوه بر این، میزان بروز خشونت در روابط میان نوجوانان و جوانان بیش از خشونتی است که در روابط پایدار و مشترک مشاهده می‌شود (کاستیلوگونزالز و همکاران، ۲۰۲۴). یکی از انواع خشونت، سوءاستفاده هیجانی است که اولین بار توسط فوروارد و فریزر (۱۹۹۷) بیان شد، پدیده‌ای مبهم و پیچیده که اغلب در سطح ادراکی فرد قرار نمی‌گیرد، نوعی از دستکاری روانشناختی است که در آن افراد از ترس، تعهد و احساس گناه برای کنترل دیگران استفاده می‌کنند. این دستکاری معمولاً در روابط نزدیک رخ

^۱ IPV



می‌دهد، جایی که مرتکبان از پیوندهای عاطفی برای اعمال کنترل بهره‌برداری می‌کنند (بیچر و آدام، ۲۰۲۴). خشونت در روابط صمیمی پیامدهای قابل توجهی برای قربانیان به همراه دارد و از میان عواملی که با ارتکاب خشونت توسط مردان مرتبط هستند، ناایمنی‌های دلبستگی و اختلال در تنظیم هیجان، حمایت تجربی قوی دریافت کرده‌اند. شیوع بالا و پیامدهای زیانبار خشونت در میان قربانیان، از اهمیت آن حمایت می‌کند (دوئادی و همکاران، ۲۰۲۳). دلبستگی طبق مطالعات هازان و شیور (۱۹۸۷) به حوزه‌های عشق و تنهایی نیز تعمیم یافته است و بر اساس این نظریه، عشق یک فرایند دلبستگی است و افراد آن را به شیوه‌های متفاوت تجربه می‌کنند، زیرا هر فرد در زمینه دلبستگی ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. این نظریه سه سبک دلبستگی اصلی در بزرگسالان را شناسایی می‌کند: ایمن، ناایمن اضطرابی و ناایمن اجتنابی. پژوهش (آرسنالت و همکاران، ۲۰۲۳) ارتباطات مستقیم و غیرمستقیم بین دلبستگی‌های ناایمن و ارتکاب خشونت را، از طریق الگوهای ارتباطی ناکارآمد و کاهش رضایت از رابطه نشان می‌دهد، که این خشونت در روابط صمیمی شامل ابعاد روان‌شناختی، جسمی، جنسی و کنترل اجباری است و طبق این پژوهش، افراد با دلبستگی ناایمن هنگام مواجهه با تعارضات رابطه‌ای، میزان محبت کمتری ابراز می‌کنند، کمتر انعطاف‌پذیر هستند، پس از تعارض استرس بیشتری تجربه می‌کنند و بیشتر از شیوه‌های تحقیرآمیز و تهدیدآمیز برای حل مشکلات استفاده می‌کنند. در پژوهش‌های شن و همکاران (۲۰۲۴) بیان شده که مطابق با نظریه بالبی (۱۹۶۹)، کودکان اطلاعات حاصل از تعاملات خود با مراقبان را درونی می‌کنند و مطابق با این ساختار درونی به عنوان الگوهایی برای رفتار، عمل می‌کنند. این ساختار درونی بر اساس ادراکات فرد از رویدادهای محیطی شکل می‌گیرد و به عنوان چارچوبی عملکردی برای تفسیر رفتار دیگران به کار می‌رود. تجربه ناامنی در فرایند دلبستگی با ویژگی‌هایی همچون بی‌اعتمادی، آسیب‌پذیری، حساسیت و مشکلات ارتباطی بروز می‌یابد. همچنین این نظریه بیان می‌کند که افراد با سبک‌های دلبستگی ناایمن احتمال بیشتری دارند که در ایجاد و حفظ روابط سالم در بزرگسالی با دشواری مواجه شوند. نتایج پژوهش اسپرنزا، فارینا و همکاران (۲۰۲۲) نشان داد که زنان در گروه تجربه خشونت توسط شریک صمیمی سطوح بالاتری از انواع مختلف تجربیات آسیب‌زا در سیستم مراقبتی خود گزارش کردند. آن‌ها نرخ قابل توجهی از حالت‌های ذهنی



سازمان نیافته نسبت به دلبستگی را تجربه کردند که نشان دهنده عدم حل و فصل تجربیات آسیب‌زا و وجود الگوهای ذهنی آشفته ناشی از تروماهای پیچیده بود. فراتر از صرفاً وجود تجربیات آسیب‌زا، «حل نشده بودن» این تجربیات در مصاحبه بزرگسالی درباره دلبستگی، پیش‌بینی‌کننده معناداری برای تجربه خشونت توسط شریک صمیمی است. همچنین در پژوهش (پاپالیا و ویدوم، ۲۰۲۴) مشخص شد که دلبستگی نقش مهمی در فهم «چرخه خشونت» داشته است؛ چرخه‌ای که در آن کودکانی که مورد سوءرفتار قرار گرفته‌اند، در معرض خطر بیشتری برای ارتکاب خشونت در سال‌های بعدی زندگی قرار دارند و دلبستگی اضطرابی مسیر بین غفلت و سوءاستفاده فیزیکی با خشونت بعدی را میانجی‌گری می‌کند و همچنین طبق پژوهش‌های (محمدی و اسپنسر، ۲۰۲۴) در زنانی که سبک دلبستگی ایمن داشتند، هیچ ارتباطی بین قربانی شدن در روابط و سبک‌های مقابله‌ای یافت نشد اما زنانی که خشونت را تجربه کرده بودند، یکی از سبک‌های دلبستگی ناایمن را داشتند و همچنین بیشتر از راهبردهای اجتنابی و مقابله هیجانی استفاده می‌کردند. بالبی در نظریه اش (۱۹۷۳) توضیح می‌دهد که انسان‌ها برای حفظ تعادلی پویا برانگیخته می‌شوند، اما طرحواره‌های ناسازگار اولیه این تعادل را مختل می‌کنند. این طرحواره‌ها به جای آن‌که اطلاعات جدید را به گونه‌ای پردازش کنند که تحریف‌ها و باورهایشان را به چالش بکشد، شواهد تازه را نادیده می‌گیرند و در نتیجه، طرحواره‌هایشان بدون تغییر باقی می‌ماند. زمانی که طرحواره‌های ما فعال می‌شوند و برای مواجهه با آن‌ها به رفتارهای مقابله‌ای متوسل می‌شویم، ذهنیت‌های طرحواره‌ای شکل می‌گیرند، این ذهنیت‌ها در چهارده نوع و در چهار گروه طبقه‌بندی می‌شوند: ذهنیت‌های کودکان، ذهنیت‌های والد ناکارآمد، ذهنیت‌های مقابله‌ای ناکارآمد و ذهنیت بزرگسال سالم (آرنتز و جیکوب، ۲۰۱۳؛ ترجمه حامد برآبادی، ۱۴۰۳). مطالعات گوندوغموش و همکاران (۲۰۲۳) نشان داد که تأثیرات معناداری بین سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی و حوزه‌های طرحواره‌ای بر خشونت بین زوجین وجود دارد. سبک‌های دلبستگی هر یک از شرکا می‌تواند اثرات متفاوتی بر خشونت در روابط صمیم داشته باشد و تعامل بین سبک‌های دلبستگی شرکا ممکن است با رفتارهای خشونت‌آمیز در مردان و زنان مرتبط باشد. به عنوان مثال زمانی که یک شریک مرد دارای سبک دلبستگی اجتنابی، در رابطه‌ای با شریک زن دارای سبک دلبستگی اضطرابی



باشد، هر دو سبک دلبستگی احتمالاً با خشونت در روابط مرتبط خواهند بود. براساس پژوهش‌های آموس انژه-لیان و ماتیلانگان (۲۰۲۴)، رابطه بین انواع ذهنیت‌های طرحواره‌ای و سوءاستفاده عاطفی در روابط صمیمی به این صورت است که پس از تجربه یک رویداد تروماتیک شامل خشونت خانگی، آزار جنسی یا جسمی، رفتار خشونت‌آمیز یکی از نزدیکان، خشونت اجتماعی، بلایای طبیعی، حوادث تهدیدکننده زندگی، فقدان ناگهانی، جراحات شدید، بیماری‌های تهدیدکننده زندگی و خشونت‌های سیاسی، افراد چهار ذهنیت طرحواره‌ای توسعه می‌دهند: ذهنیت محافظ بی تفاوت، ذهنیت کودک آسیب‌پذیر، ذهنیت کودک عصبانی و ذهنیت والد سرزنشگر. نتایج پژوهش شریف‌نیا و همکاران (۱۴۰۲) نشان داد که خرده‌مقیاس‌های ناملايمات دوران کودکی اثر مستقیم معناداری بر تعارض‌های زناشویی ندارند، اما به جز سوءاستفاده جنسی، چهار خرده‌مقیاس دیگر (سوءاستفاده هیجانی، سوءاستفاده جسمی، غفلت جسمی و غفلت عاطفی) از طریق ذهنیت‌های طرحواره‌ای اثر غیرمستقیم معناداری بر تعارض زناشویی دارند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که ذهنیت‌های طرحواره‌ای با توجه به نقش ناملايمات دوران کودکی می‌توانند تعارضات زناشویی افراد با نشانه‌های آسیب‌شناسی روانی را توضیح دهند. نتایج پژوهش‌های خان بیگی و همکاران (۲۰۲۵) نشان داد که تمایل به تجربه مجدد روابط آزاردهنده، یک الگوی ارتباطی ناسازگار است که با تجربیات نامطلوب اولیه و طرحواره‌های شناختی-عاطفی ریشه‌دار مرتبط می‌باشد. همچنین، طرحواره‌های ناسازگار اولیه نقش کلیدی در رابطه بین تجربیات نامطلوب دوران کودکی و تمایل به قربانی کردن و قربانی شدن مجدد در بزرگسالی ایفا می‌کنند. همچنین براساس یافته‌های شفيعی رضوانی نژاد و میرپور (۲۰۲۴) خوددلسوزی با کاهش قابل توجه خشونت مرتبط بود، در حالی که ذهنیت‌های طرحواره‌ای به‌طور معناداری با افزایش امتیاز خشونت ارتباط داشتند.

روش

مطالعه حاضر توصیفی و از نوع همبستگی چند متغیره و جامعه آماری آن شامل دانشجویانی بود که علاوه بر اینکه در رابطه عاطفی بودند، در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۴ در دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد مشغول به تحصیل بودند.



در تحلیل رگرسیون چند متغیری، نسبت تعداد نمونه به متغیرهای غیروابسته نباید کمتر از ۵ باشد، در غیر این صورت قابل تعمیم نیست، از جهت دیگر در نظر گرفتن ۱۵ مشاهده بر پایه هر متغیر در تحلیل رگرسیون چندگانه، یک قاعده سرانگشتی خوب برای محاسبه تعداد نمونه به شمار می آید (به نقل از هومن، ۱۳۹۳). بنابراین در این پژوهش، با توجه به تعداد ۱۷ خرده مقیاس و به منظور دستیابی به نتیجه ی مطلوب تر، در مجموع تعداد ۲۵۵ نفر از دانشجویانی که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد در حال تحصیل بوده اند، به روش در دسترس انتخاب شدند. ملاک های ورود به این پژوهش، رضایت برای شرکت در پژوهش و تأهل یا در رابطه عاطفی بودن؛ و ملاک های خروج نیز شامل عدم تمایل به شرکت در پژوهش و تکمیل ناقص پرسشنامه ها بود. همچنین، به لحاظ اخلاقی، توضیح داده شد که نتایج پژوهش به صورت کلی در مقاله استفاده خواهد شد و اطلاعات افراد کاملاً محرمانه خواهد ماند. پژوهش حاضر در قسمت مبانی نظری، از تحقیقات کتابخانه ای و از مقالات و کتاب ها استفاده کرده و در قسمت جمع آوری داده ها، از پرسشنامه های متناسب با متغیرهای پژوهش استفاده شده است. پس از تکمیل پرسشنامه ها، نمره های خام با استفاده از روش های آماری و توسط نرم افزار اسپس اس^۱ نسخه ۲۰۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار

پرسشنامه ذهنتی های طرحواره ای^۲: این پرسشنامه توسط یانگ و همکارانش (۲۰۰۷) با هدف سنجش ۱۴ ذهنتی طرحواره ای شامل ذهنتی های کودک آسیب پذیر، کودک عصبانی، کودک غضبناک، کودک تکانشی، کودک بی انضباط، کودک شاد، تسلیم شده مطیع، ذهنتی محافظ بی تفاوت، خود آرا مبخس، خود بزرگ منش، زورگو و تهاجمی، والد تنبیه گر، والد پرتوقع و بزرگسال سالم، ساخته شد که ۱۲۴ گویه دارد و دارای مقیاس ۶ درجه ای لیکرت (از هیچ وقت ۱ تا همیشه ۶) است. ضریب همسانی درونی ۰/۷۶ تا ۰/۹۶ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۹ گزارش شده است و هرچه نمرات فرد در این پرسشنامه بالاتر باشد، نشانه ذهنتی انعطاف ناپذیر وی و

^۱ SPSS

^۲ SMQ



تسلط آن ذهنیت بر سیستم پردازش اطلاعات است. در ایران این پرسشنامه توسط دکتر مژگان صلواتی و همکاران هنجاریابی شده است و ۰٫۹۸ برای کل پرسشنامه، ۰٫۹۵ برای مردان و ۰٫۹۵ برای زنان گزارش شده است. پرسشنامه سوء استفاده هیجانی^۱: این پرسشنامه ۶۶ گویه دارد و توسط جیکوبسون و گاتمن در سال ۱۹۹۸ ساخته شده است. این پرسشنامه چهار حوزه انزوا و کناره-گیری، تحقیر، آزار جنسی و صدمه به متعلقات از انواع سوء استفاده توسط شریک زندگی را مورد سنجش قرار می-دهد. گویه‌های این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرتی چهار قسمتی از ۱= هرگز تا ۴= بیشتر اوقات نمره-گذاری می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ حوزه انزوا و کناره-گیری ۰٫۸۹، تحقیر ۰٫۹۲، آزار جنسی ۰٫۷۳ و صدمه به متعلقات ۰٫۸۶ گزارش شده است. در ایران شفيعی رضوانی نژاد و همکاران در سال ۲۰۲۴ نسخه فارسی این پرسشنامه را روانسنجی کردند. ضریب آلفای کرونباخ نمره کل این پرسشنامه در پژوهش شفيعی رضوانی نژاد و همکاران ۰٫۹۷ و برای هر خرده مقیاس از ۰٫۸۷ تا ۰٫۹۵ متغیر بود.

پرسشنامه استاندارد سبک دلبستگی هازان و شیور (۱۹۸۷): پرسشنامه سبک دلبستگی توسط هازان و شیور در سال ۱۹۸۷ ساخته شده است. این مقیاس دارای ۱۵ گویه، با یک مقیاس لیکرت پنج درجه ای (خیلی کم تا خیلی زیاد) و هر ماده دارای ارزشی بین ۱ تا ۵ است. در ایران در پژوهش موذنی و همکاران در سال ۱۳۹۳ پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ بالای ۰٫۷۰ به دست آمده است.

یافته‌ها

توزیع جنسیت در نمونه آماری مورد مطالعه شامل (۲۰۳، ۷۵/۲٪) زن و (۶۷، ۲۴/۸٪) مرد بود؛ سطح تحصیلات شامل لیسانس (۲۳۶، ۸۷/۴٪)، فوق لیسانس (۲۵، ۹/۳٪)، دکترا (۹، ۳/۳٪) بود، همچنین میانگین و انحراف استاندارد سن نیز شامل (۲۲/۱۷؛ ۴/۸۸) بود. در ادامه در جدول شماره ۱ شاخص-های توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه می‌شوند.

^۱ EAQ



جدول ۱- شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
سیک دل بستگی	ایمن	۱۴/۳۷	۳/۳۸	-۰/۰۶	-۰/۶۶
	اجتنابی	۱۴/۵۰	۴/۲۵	۰/۱۲	-۰/۴۸
	دوسوگرا	۱۲/۳۷	۴/۰۲	۰/۴۹	-۰/۱۵
ذهنیت های طرح واره ای	ذهنیت کودک آسیب پذیر	۲۶/۲۹	۱۴/۲۳	۰/۳۷	-۱/۰۵
	ذهنیت کودک عصبانی	۲۹/۳۲	۱۰/۸۳	۰/۴۰	-۰/۵۶
	ذهنیت کودک غضبناک	۲۰/۳۵	۹/۸۰	۱/۰۹	۰/۷۳
	ذهنیت کودک تکانشی	۲۶/۶۰	۶/۷۳	۰/۶۹	۰/۴۹
	ذهنیت کودک بی انضباط	۱۷/۲۴	۷/۱۴	۰/۳۷	-۰/۸۶
	ذهنیت کودک شاد	۳۳/۷۱	۷/۵۷	-۰/۱۸	-۰/۸۰
	ذهنیت تسلیم شده مطیع	۱۹/۲۵	۶/۲۳	۰/۷۷	۰/۵۸
	ذهنیت محافظ بی تفاوت	۲۵/۵۴	۹/۳۶	۰/۶۸	-۰/۱۱
	ذهنیت خودآرام بخش بی تفاوت	۱۵/۷۲	۴/۵۵	۰/۰۵	-۰/۳۵
	ذهنیت خود بزرگ منش	۲۸/۳۳	۸/۶۴	۰/۳۸	-۰/۲۱
	ذهنیت زورگو و تهاجمی	۲۶/۱۸	۷/۷۶	۰/۲۵	-۰/۳۵
	ذهنیت والد تنبیه گر	۱۹/۶۳	۸/۰۸	۱/۳۰	۱/۹۲
	ذهنیت والد پرتوقع	۳۴/۳۶	۹/۵۹	۰/۲۸	-۰/۴۶
	ذهنیت بزرگسال سالم	۴۱/۹۷	۹/۸۴	-۰/۵۸	-۰/۴۹
	سوء استفاده هیجانی	۸۸/۲۳	۲۷/۸۲	۱/۶۹	۱/۷۹

شاخص های توصیفی جدول شماره ۱ نشان می دهند داده ها از پراکندگی مناسبی برخوردارند؛ همچنین با توجه به این که قدر مطلق چولگی و کشیدگی تمامی متغیرها کمتر از ۱/۹۶ می باشد، توزیع متغیرها نرمال است، بنابراین می توان از آزمون های پارامتریک مانند همبستگی گشتاوری پیرسون و رگرسیون چندگانه برای تحلیل داده ها استفاده نمود.

فرضیه اول) هر یک از ابعاد ذهنیت های طرح واره های توان پیش بینی سوء استفاده هیجانی را دارند. در جدول ۲ ماتریس همبستگی بین ذهنیت های طرح واره های و سوء استفاده هیجانی گزارش شده است.

جدول ۲- ماتریس همبستگی ذهنیت های طرح واره های و سوء استفاده هیجانی

*p<۰/۰۵, **p<۰/۰۱

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
کودک آسیب پذیر	۱														
کودک عصبانی	۰/۴۲**	۱													
کودک غضبناک	۰/۳۱**	۰/۵۸**	۱												
کودک تکانشی	۰/۳۳**	۰/۵۶**	۰/۵۶**	۱											
کودک بی انضباط	۰/۵۹**	۰/۵۳**	۰/۳۴**	۰/۴۴**	۱										
کودک شاد	-۰/۵۸**	-۰/۳۰**	-۰/۲۹**	-۰/۱۳**	-۰/۳۷**	۱									
تسلیم شده مطیع	۰/۴۵**	۰/۳۵**	۰/۲۲**	۰/۳۶**	۰/۳۸**	-۰/۲۴**	۱								
محافظ بی تفاوت	۰/۵۸**	۰/۴۳**	۰/۴۴**	۰/۳۸**	۰/۴۶**	-۰/۵۴**	۰/۴**	۱							
خود آرام بخش	۰/۳۹**	۰/۴۱**	۰/۳۱**	۰/۳۵**	۰/۲۸**	-۰/۲۸**	۰/۳۸**	۰/۳۵**	۱						
خود بزرگ منش	۰/۲۳**	۰/۳۳**	۰/۳۳**	۰/۳۷**	۰/۲۱**	-۰/۱۷**	۰/۲۵**	۰/۲۲**	۰/۲۰**	۱					
زورگو	۰/۳۲**	۰/۴۵**	۰/۵۲**	۰/۵۲**	۰/۲۷**	-۰/۲۲**	۰/۲۷**	۰/۴۰**	۰/۲۲**	۰/۵۹**	۱				
والد تنبیه گر	۰/۵۶**	۰/۵۲**	۰/۳۹**	۰/۴۰**	۰/۵۷**	-۰/۲۹**	۰/۳۸**	۰/۴۴**	۰/۳۹**	۰/۲۳**	۰/۲۸**	۱			
والد پرتوقع	۰/۲۹**	۰/۴۹**	۰/۴۰**	۰/۴۲**	۰/۲۰**	-۰/۱۸**	۰/۴۱**	۰/۳۴**	۰/۴۰**	۰/۴۱**	۰/۴۲**	۰/۴۰**	۱		
بزرگسال سالم	-۰/۵۴**	-۰/۳۵**	-۰/۳۱**	-۰/۳۲**	-۰/۵۳**	۰/۵۶**	-۰/۳۴**	-۰/۴۵**	-۰/۳۱**	-۰/۳۰**	-۰/۳۱**	-۰/۴۶**	-۰/۴۹**	۱	
سوء استفاده هیجانی	۰/۵۹**	۰/۴۰**	۰/۳۳**	۰/۳۵**	۰/۵۵**	-۰/۵۷**	۰/۴۹**	۰/۵۷**	۰/۵۲**	۰/۱۹**	۰/۲۵**	۰/۵۵**	۰/۲۸**	-۰/۵۹**	۱



نتایج جدول شماره ۲ نشان می دهد که کلیه متغیرهای پژوهش به صورت دو به دو دارای همبستگی مثبت بوده و در سطح ۰/۰۱ معنی دار می باشند؛ برای نمونه رابطه بین سوءاستفاده هیجانی و مولفه ذهنیت کودک آسیب پذیر ۰/۵۹ می باشد. جهت بررسی همخطی چندگانه از مقادیر تحمل^۱ و عامل تراکمی واریانس^۲ استفاده شد که مقادیر به دست آمده نشان دهنده عدم تخطی از این مفروضه ها بود؛ همچنین آزمون دوربین - واتسون برای بررسی استقلال خطاهای متغیر ملاک سوء استفاده هیجانی ۱/۸ بود که نشان دهنده این مفروضه می باشد.

جدول ۳: خلاصه مدل رگرسیون سوء استفاده هیجانی از روی ابعاد ذهنیت های طحرواره ای

مدل	S.S	M.S	F	ΔF	R	R ²	ΔR ²	Df	s.e	Sig
رگرسیون	۱۳۴۴۶۹/۸۸	۹۶۰۴/۹۹	۳۳/۱۸	۳۳/۱۸	۰/۸۰	۰/۶۴	۰/۶۴	۱۴	۱۷/۰۱	۰/۰۰۱
باقیمانده	۷۳۸۱۴/۹۴	۲۸۹/۴۷								

نتایج آزمون رگرسیون نشان می دهد که مقدار پیش بینی معنادار بوده و متغیرهای پیش بین می توانند ۶۴٪ از تغییرات متغیر ملاک را پیش بینی کنند. در ادامه نتایج مرتبط با ضرایب رگرسیونی گزارش شده است.

جدول ۴: ضرایب رگرسیونی پیش بینی سوء استفاده هیجانی از روی مولفه های ذهنیت های طحرواره ای

متغیرهای پیش بین	VIF	Tolerance	B	β	t	s.e	Sig
عدد ثابت	-	-	۷۲/۲۴	-	۶/۱۲	۱۱/۷۸	۰/۰۰۱
ذهنیت کودک آسیب پذیر	۲/۹۱	۰/۳۴	۰/۲۶	۰/۱۳	۲/۱۰	۰/۱۲	۰/۰۵
ذهنیت کودک عصبانی	۲/۲۶	۰/۴۴	-۰/۲۰	-۰/۰۷	-۱/۳۹	۰/۱۴	۰/۱۶
ذهنیت کودک غضبناک	۲/۱۹	۰/۴۵	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۸	۰/۱۵	۰/۹۳
ذهنیت کودک تکانشی	۲/۲۰	۰/۴۵	۰/۱۲	۰/۰۳	۰/۵۳	۰/۲۲	۰/۵۹
ذهنیت کودک بی انضباط	۲/۳۵	۰/۴۲	۰/۴۳	۰/۱۱	۱/۹۷	۰/۲۳	۰/۰۵
ذهنیت کودک شاد	۲/۱۶	۰/۴۶	-۰/۷۷	-۰/۲۱	-۳/۸۴	۰/۲۰	۰/۰۰۱
ذهنیت تسلیم شده مطیع	۱/۵۷	۰/۶۳	۰/۶۴	۰/۱۴	۳/۱۰	۰/۲۱	۰/۰۰۱
ذهنیت محافظ بی تفاوت	۲/۰۲	۰/۴۹	۰/۳۳	۰/۱۱	۲/۱۲	۰/۱۵	۰/۰۵
ذهنیت خودآرام بخش بی تفاوت	۱/۴۵	۰/۶۸	۱/۳۲	۰/۲۱	۴/۸۳	۰/۲۷	۰/۰۰۱
ذهنیت خود بزرگ منش	۱/۷۸	۰/۵۶	-۰/۰۲	-۰/۰۱	-۰/۱۵	۰/۱۶	۰/۸۸

¹ Tolerance

² VIF



۰/۲۶	۰/۱۹	-۱/۱۲	-۰/۰۶	-۰/۲۱	۰/۴۷	۲/۱۲	ذهنیت زورگو و نهاجمی
۰/۰۱	۰/۱۸	۲/۵۳	۰/۱۳	۰/۴۷	۰/۴۶	۲/۱۵	ذهنیت والد تنبیه گر
۰/۹۵	۰/۱۵	۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۴۸	۲/۰۶	ذهنیت والد پرتوقع
۰/۰۵	۰/۱۶	-۲/۳۰	-۰/۱۳	-۰/۳۸	۰/۴۰	۲/۴۵	ذهنیت بزرگسال سالم

با توجه به جدول ۴ ضرایب رگرسیون نشان می دهد که اثر ذهنیت کودک آسیب پذیر؛ اثر ذهنیت کودک بی انضباط، ذهنیت تسلیم شده مطیع، ذهنیت محافظ بی تفاوت، ذهنیت خودآرام بخش بی تفاوت ذهنیت والد تنبیه گر بر سوء استفاده هیجانی مثبت و اثر کودک شاد و ذهنیت بزرگسال سالم نیز بر سوء استفاده هیجانی منفی بود.

فرضیه دوم) هر یک از سبک های دلبستگی توان پیش بینی سوء استفاده هیجانی را دارند.

جهت آزمون این فرضیه ابتدا از همبستگی پیرسون و سپس از آزمون رگرسیون خطی چندگانه به روش همزمان استفاده شد؛ که در جدول ۵ ماتریس همبستگی بین سبک های دلبستگی و سوء استفاده هیجانی گزارش شده است.

جدول ۵: ماتریس همبستگی رابطه بین سبک های دلبستگی و سوء استفاده هیجانی

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴
۱	دلبستگی ایمن	۱			
۲	دلبستگی اجتنابی	-۰/۴۷**	۱		
۳	دلبستگی دوسوگرا	-۰/۲۲**	۰/۲۹**	۱	
۴	سوء استفاده هیجانی	-۰/۲۳**	۰/۱۷**	۰/۳۱**	۱

با توجه به جدول ۵، رابطه سوء استفاده هیجانی با دلبستگی ایمن (-۰/۲۳) با دلبستگی اجتنابی (۰/۱۷) و با دلبستگی دو سوگرا (۰/۳۱) می باشد که در سطح ۰/۰۱ معنی دار بودند. در ادامه آزمون رگرسیون همزمان به همراه پیش فرض های آن گزارش شده است. جهت بررسی همخطی چندگانه از مقادیر تحمیل عامل تراکمی واریانس، استفاده شد که مقادیر به دست آمده نشان دهنده عدم تخطی از این مفروضه ها بود؛ زیرا زمانی که



مقدار تحمل از ۰/۱ بیشتر و مقدار عامل تراکمی واریانس کمتر از ۱۰ باشد، حاکی از تایید این مفروضه ها می باشد. همچنین آزمون دوربین - واتسون برای بررسی استقلال خطاهای متغیر ملاک سوء استفاده هیجانی ۱/۲ بود که نشان دهنده این مفروضه می باشد.

جدول ۶: خلاصه مدل رگرسیون سوء استفاده هیجانی از روی سبک های دلبستگی

مدل	S.S	M.S	F	ΔF	R	R ²	ΔR ²	Df	s.e	Sig
رگرسیون	۲۶۷۹۴/۸۷	۸۹۳۱/۶۲	۱۳/۰۹	۱۳/۰۹	۰/۳۵	۰/۱۳	۰/۱۳	۱۴	۲۶/۱۲	۰/۰۰۱
باقیمانده	۱۸۱۴۸۹/۹۶	۶۸۲/۲۹								

نتایج آزمون رگرسیون نشان می دهد که مقدار پیش بینی معنادار بوده و متغیرهای پیش بین می توانند ۱۳٪ از تغییرات متغیر ملاک را پیش بینی کنند. در ادامه نتایج مرتبط با ضرایب رگرسیونی گزارش شده است.

جدول ۷: ضرایب رگرسیونی پیش بینی سوء استفاده هیجانی از روی سبک های دلبستگی

متغیرهای پیش بین	VIF	Tolerance	B	β	t	s.e	Sig
عدد ثابت	-	-	۸۲/۴۶	-	۶/۴۴	۱۲/۸۱	۰/۰۰۱
دلبستگی ایمن	۲/۹۱	۰/۳۴	-۱/۳۳	-۰/۱۶	-۲/۴۹	۰/۵۳	۰/۰۰۱
دلبستگی اجتنابی	۲/۲۶	۰/۴۴	۰/۰۶	۰/۰۱	۰/۱۵	۰/۴۳	۰/۸۷
دلبستگی دوسوگرا	۲/۴۵	۰/۴۰	۱/۹۳	۰/۲۸	۴/۶۵	۰/۴۱	۰/۰۰۱

با توجه به جدول ۷ ضرایب رگرسیون نشان می دهد که اثر دلبستگی ایمن به صورت منفی و اثر دلبستگی نایمن دوسوگرا به صورت مثبت بر سوء استفاده هیجانی داشتند.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط انواع ذهنیت های طرحواره ای و سبک های دلبستگی با سوء استفاده هیجانی در روابط صمیمی بود. یافته ها نشان داد که دلبستگی نایمن دوسوگرا، با قربانی شدن و سوء استفاده شریک عاطفی رابطه مثبت و دلبستگی ایمن با سوء استفاده رابطه منفی دارد. این نتایج با پژوهش های آرسنالت و همکاران (۲۰۲۳)، پاپالیا و ویدوم (۲۰۲۴)، محمدی و اسپنسر (۲۰۲۴)، اسپرانزا و همکاران (۲۰۲۲) همسو بود. با این حال



علاوه بر دلبستگی دوسوگرا، دلبستگی اجتنابی نیز با قربانی شدن رابطه معناداری داشت که این تفاوت را می‌توان با استناد بر نظریه‌های دلبستگی مبنی بر اینکه افراد با دلبستگی اجتنابی، برای پرهیز از درد و طرد شدن، استقلال را بر صمیمیت ترجیح می‌دهند، آنها احساسات خود را سرکوب می‌کنند و به خود متکی‌اند، همچنین ظاهراً اجتماعی و بااعتمادبه‌نفس‌اند، اما به جای روابط عمیق بیشتر به آشنایی‌های سطحی یا روابط گذرا گرایش دارند، توضیح داده و توجیه کرد.

در ادامه می‌توان بیان کرد که سبک‌های دلبستگی نقش مهمی در شیوه مواجهه افراد با استرس و رویدادهای آسیب‌زا دارند. افراد با سبک دلبستگی ایمن معمولاً در برابر شرایط دشوار مقاوم‌تر بوده و از سلامت روانی مطلوب‌تری برخوردارند، در حالی که سبک‌های دلبستگی ناایمن نه‌تنها حمایت روانی کافی فراهم نمی‌کنند، بلکه فرد را در برابر فشارهای روانی آسیب‌پذیر و سردرگم می‌سازند. بالبی معتقد بود افراد بیشتر به کسانی جذب می‌شوند که الگوهای درونی پیشین آن‌ها را تقویت می‌کنند؛ بنابراین، افراد با دلبستگی ناایمن بیشتر به سمت شریک‌هایی جذب می‌شوند که رفتارهایی مشابه با تجارب ناامن گذشته آنها دارند و خود نیز به گونه‌ای عمل می‌کنند که حس ناامنی در رابطه بازتولید شود. همچنین تجربه خشونت در دوران کودکی می‌تواند منجر به شکل‌گیری باورهای منفی درباره ارزش خود شود و فرد را به این نتیجه برساند که شایسته دریافت عشق و محبت نیست؛ که این نگرش بر توانایی فرد در پذیرش و تبادل محبت سالم تأثیر منفی می‌گذارد. افرادی که سطح بالای دلبستگی اجتنابی دارند، معمولاً دید منفی نسبت به دیگران پیدا می‌کنند، به شریک عاطفی خود اعتماد چندانی ندارند و در روابط صمیمانه با نزدیکی عاطفی احساس ناراحتی می‌کنند اما افرادی که دلبستگی اضطرابی بالایی دارند به دلیل توجه بیش از حد به احتمال طرد شدن، نسبت به نشانه‌های تهدیدکننده‌ی رابطه حساس‌تر هستند، بیشتر دچار احساس حسادت می‌شوند و نگران این هستند که شریکشان آن‌ها را ترک کند، بنابراین آن‌ها با احتمال بیشتری درگیر روابط آسیب‌زا می‌شوند. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که ذهنیت‌های کودک آسیب‌پذیر، کودک بی‌انضباط، ذهنیت محافظ بی‌تفاوت، ذهنیت خودآرام‌بخش بی‌تفاوت، ذهنیت تسلیم‌شده مطیع، و ذهنیت والد تنبیه‌گر، اثر مثبت بر سوءاستفاده هیجانی دارند، در حالی که ذهنیت کودک شاد و ذهنیت



بزرگسال سالم اثر منفی نشان دادند. این نتایج با یافته‌های آموس انژه-لیان و ماتیا لاگان (۲۰۲۴)، گوندوغموش و همکاران (۲۰۲۳)، شریف‌نیا و همکاران (۱۴۰۲)، خان بیگی و همکاران (۲۰۲۵)، شفیع رضوانی نژاد و میرپور (۲۰۲۴) از منظر رابطه ذهنیت‌های طرحواره‌ای با کیفیت روابط زناشویی و تجربه سوءاستفاده همسو بود. در تبیین یافته‌های بدست آمده می‌توان گفت که ذهنیت‌های طرحواره‌ای به‌عنوان فیلترهایی عمل می‌کنند که فرد از طریق آن‌ها به درک و تفسیر خود، دیگران و روابط بین فردی می‌پردازد که این ذهنیت‌ها به دو دسته کارآمد و ناکارآمد تقسیم می‌شوند و تأثیر قابل توجهی بر کیفیت روابط عاطفی و اجتماعی در بزرگسالی دارند. ذهنیت‌های ناکارآمد معمولاً ناشی از تجارب منفی دوران رشد، همچون طرد، بی‌مهری یا سرزنش مداوم والدین هستند و احساساتی مانند بی‌ارزشی و ناتوانی را در فرد تقویت می‌کنند و او را به واکنش‌های انفعالی، تسلیم و ناتوانی در مرزبندی‌های هیجانی سوق می‌دهند. نوع و عملکرد ذهنیت‌های فعال‌شده، تعیین‌کننده میزان آسیب‌پذیری یا مقاومت در برابر سوءاستفاده‌های هیجانی است. ذهنیت‌های ناکارآمد تایید شده در پژوهش حاضر (کودک آسیب‌پذیر، کودک بی‌انضباط، محافظ بی‌تفاوت، خودآرام‌بخش بی‌تفاوت، تسلیم‌شده مطیع و والد تنبیه‌گر) می‌توانند آسیب‌پذیری فرد را در برابر سوءاستفاده روانی افزایش دهند. به‌عنوان مثال، افراد با ذهنیت کودک آسیب‌پذیر به راحتی احساس طردشدگی و ناتوانی می‌کنند و ممکن است در روابط سوءاستفاده‌گر دست‌کم گرفته شوند و امتیاز بالا در حالت کودک بی‌انضباط، پیش‌بینی‌کننده احتمال بالاتر درگیر شدن در رفتارهایی است که پویایی‌های سوءاستفاده‌گر را تداوم می‌بخشد یا جذب می‌کند. افراد با ذهنیت کودک بی‌انضباط به دنبال ارضای فوری خواسته‌های خود هستند و در مواجهه با سوءاستفاده‌گر ممکن است رفتارهای تکانه‌ای از خود نشان دهند، که سوءاستفاده‌گران از آن برای اعمال کنترل استفاده می‌کنند. رفتارهای تکانه‌ای ممکن است باعث شود افراد نشانه‌های هشداردهنده را نادیده بگیرند یا در رفتارهای پرخطر شرکت کنند، که این امر آن‌ها را بیشتر مستعد بازگشت به روابط سوءاستفاده‌گر می‌کند (شفیع رضوانی نژاد و میرپور، ۲۰۲۵). کسانی که ذهنیت محافظ بی‌تفاوت و خودآرام‌بخش بی‌تفاوت دارند، برای فرار از درد هیجانی به انزوا و بی‌تفاوتی پناه می‌برند و سوءاستفاده‌گران از این ویژگی برای کنترل و فاصله گرفتن فرد از اطرافیان بهره می‌برند و همچنین پیش‌بینی‌کننده



قطع ارتباط با احساسات و نیازهای خود است، این جدایی می تواند افراد را از شناخت و پرداختن به الگوهای سوءاستفاده گر بازدارد که این امر آن ها را بیشتر مستعد ماندن در روابط سوءاستفاده گر یا بازگشت به آن ها می کند (انگل و همکاران، ۲۰۲۳، به نقل از شفیعی رضوانی نژاد و میرپور، ۲۰۲۵). افراد با ذهنیت مقابله ای تسلیم شده مطیع به طور منفعلانه، سلطه پذیر و خودتحقیرگر رفتار می کنند و الگوی طرحواره ای آسیب رسان خود را حفظ می کنند. در نهایت، افرادی با ذهنیت والد تنبیه گر به طور مداوم احساس گناه دارند و سوءاستفاده گران می توانند از این احساس برای تحقیر و کنترل فرد استفاده کنند، به گونه ای که فرد احساس کند سزاوار سوءاستفاده است و در مقابل، افراد با ذهنیت بزرگسال سالم و کودک شاد کمتر در معرض سوءاستفاده روانی قرار می گیرند زیرا ذهنیت بزرگسال سالم توانایی مدیریت نیازهای عاطفی و برقراری روابط سالم را فراهم می کند و فرد را در برابر دستکاری های سوءاستفاده گران مقاوم می سازد. ذهنیت کودک شاد، با ایجاد حس امنیت و شادی، فرد را از سوءاستفاده های عاطفی دور نگه می دارد و امکان خروج از روابط ناسالم و حفظ مرزهای شخصی را برای او فراهم می کند.

منابع:

آرنتز، آ و جیکوب، گ. (۱۴۰۳). تکنیک های طرحواره درمانی: الگوی مبتنی بر ذهنیت. (ترجمه حامد برآبادی). تهران: اسبار (۲۰۱۳).

برک، ل. (۱۳۹۷). روانشناسی رشد: (جلد اول). ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: اسباران (۱۹۹۸).
شریف نیا، مریم، حشمتی، رسول، هاشمی، تورج (۱۴۰۲). نقش میانجی ذهنیت های طرحواره ای در رابطه ناملازمات کودکی و تعارضات زناشویی افراد با نشانه های آسیب شناسی روانی. رویش روان شناسی ۱۲

(۱۱): ۱۱-۲۰

Arseneault, L., Brassard, A., Lefebvre, A.-A., Lafontaine, M.-F., Godbout, N., Daspe, M.-È., Savard, C., & Péloquin, K. (2023). Romantic attachment and intimate partner violence perpetrated by individuals seeking help: The roles of dysfunctional communication patterns and relationship satisfaction. *Journal of Family Violence*. <https://doi.org/10.1007/s10896-023-00600-z>

- Biçer, M., & Adam, F. F. (2024). Duygusal Şantaj İle İlgili Yapılmış Çalışmaların Bibliyometrik Analizi. *Journal of Computer and Education Research*, 12(24), 800-822. <https://doi.org/10.18009/jcer.1528256>
- Bowlby J. Attachment and loss. Loss (Vol. II). New York: Basic Books; 1973.
- Castillo-González, M., Mendo-Lázaro, S., León-Del-Barco, B., Terán-Andrade, E., & López-Ramos, V. M. (2024). Dating Violence and Emotional Dependence in University Students. *Behavioral sciences* (Basel, Switzerland), 14(3), 176. doi: <https://doi.org/10.3390/bs14030176>
- Douadi, M., Brassard, A., Godbout, N., Savard, C., Daspe, M.-È., Lafontaine, M.-F., & Péloquin, K. (2023). Romantic Attachment and Intimate Partner Violence Perpetrated by Men: The Role of Affect Dysregulation and Gender Hostility. *Journal of Interpersonal Violence*, 39(11-12), 2437-2459. <https://doi.org/10.1177/08862605231218226>
- En Zhe Lian, A., & Mathialagan, S. (2024). Investigating the schema modes in individuals with traumatic experiences through the lens of object relations model: A narrative review, *European Journal of Trauma & Dissociation*, Volume 8, Issue 1, 2024, 100380, doi: <https://doi.org/10.1016/j.ejtd.2024.100380>
- Gündoğmuş, A. G., Bulut, S. D., Koçyiğit, Y., Şafak, Y., & Haksar, L. W. (2023). The relationships between intimate partner violence and attachment, personality features, and early maladaptive schemas. *Klinik Psikiyatri Dergisi: The Journal of Clinical Psychiatry*, 26(2), 91–103. <https://doi.org/10.5505/kpd.2023.93708>
- Hazan C, Shaver P. (1987) Romantic love conceptualized as an attachment process. *JPS*; 52(3):511-24. <http://doi.org/10.4324/9781351153683-17>
- Khanbeigi, P., Mirpour, Z. S., Sadeghmohammadi, F., & Nejad, K. S. R. (2025). From Childhood Trauma to Intimate Harm: The Role of vMaladaptive Schemas in Re-Experiencing Abusive Relationships. *European Journal of Trauma & Dissociation*, 100584. <https://doi.org/10.1016/j.ejtd.2025.100584>
- Moschella-Smith, E. A., Potter, S. J., Jamison, T., Harley, M., Fine, S., & Chaudhry, A. S. (2024). Attitudes toward unhealthy relationship behaviors and boundary-setting: Variation among high school students. *Journal of Interpersonal Violence*, 08862605241257598. <https://doi:10.1177/08862605241257598>
- Papalia, N., & Widom, C. S. (2024). Do insecure adult attachment styles mediate the relationship between childhood maltreatment and violent behavior?. *Development and psychopathology*, 36(2), 636–647. <https://doi.org/10.1017/S0954579422001468>
- Sadegh Mohammadi, F., & Spencer, C. M. (2024). Intimate Partner Violence and Attachment Styles as Factors Associated with Coping Stress Styles Among Iranian Women. *Journal of Interpersonal Violence*, 40(3-4), 517-536. <https://doi.org/10.1177/08862605241249499>
- Shafiei Rezvani Nejad, K., & Mirpour, Z. S. (2024). Predicting the Tendency to Re-Experience Abusive Relationships Based on Schema Modes and Self-Compassion: A Web-Based Cross-Sectional Study. *Partner Abuse*, PA-0052.R1. doi: <https://doi.org/10.1891/pa-2023-0052>

- Shen, F., Zhang, Y., & Wang, X. (2024). The impact of intimate partner violence on interpersonal and intrapersonal relationships: The role of childhood attachment. *The Professional Counselor*, 14(3), 226–240. <https://doi.org/10.15241/fs.14.3.226>
- Speranza, A. M., Farina, B., Bossa, C., Fortunato, A., Maggiora Vergano, C., Palmiero, L., Quintigliano, M., & Liotti, M. (2022). The Role of Complex Trauma and Attachment Patterns in Intimate Partner Violence. *Frontiers in psychology*, 12, 769584. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.769584>

Prediction of Emotional Abuse in Relationships Based on Schema Modes and Attachment Styles in Students of Najaf Abad Islamic Azad University.

Abstract

Psychological constructs such as attachment styles and early maladaptive schemas play a significant role in the quality of interpersonal relationships and the emergence of psychological problems. The present study aimed to examine the role of various schema modes and attachment styles in relation to emotional abuse. This research was a descriptive and multivariate correlational type, and the instruments used included Young's Schema Questionnaire, Hazan and Shaver's Attachment Style Questionnaire, and Jacobsen and Gottman's Emotional Abuse Questionnaire. The statistical population of the research consisted of all students at Islamic Azad University, Najafabad Branch, during the 2024–2025 academic year. The sample size was determined based on the rule of 15 observations per predictor variable, and given the existence of 17 subscales, 255 participants were selected. Findings have showed that All schema modes have a significant correlation with emotional abuse at the 0.01 level. Emotional abuse was significantly related to secure, avoidant, and ambivalent attachment styles at the 0.01 level. Secure attachment was negatively associated with emotional abuse, whereas insecure ambivalent attachment had a positive effect. Through schema modes, the schema modes of “vulnerable child”, “undisciplined child”, “compliant surrender”, “detached protector”, “detached self-soother” and “punitive parent” showed positive effects on emotional abuse. In contrast, the schema modes of “happy child” and “healthy adult” were negatively associated with emotional abuse.

Keywords: Emotional Abuse, Schema Modes, Attachment Styles